

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جون ۲۰۱۸

اسلام سیاسی + جهالت قرون = نمایش "مردانگی در سنگسار"

جمعه- ۱۱ جوزا ۱۳۹۷- کابل: عکسی را که در کنار صفحه می بینید با تأسف نمی دانم در کجا و چه وقت اتفاق



افتاده، مگر لباس و شمله لنگی نشان می دهد که باید این جهالت در ماتمکده افغانستان اتفاق افتاده باشد. یعنی زنی به اتهامی واهی و یا هم جرمی مشهود، از طرف مردان، در جامعه مردسالار با سنگسار محکوم به اعدام شده است تا "مردانگی" خدشه دار شده "جنس مرد" بیش از آن آسیب نبیند.

حکم وحشیانه سنگسار که در یکی از نوشته های قبلی در باره اش نوشتم، آمده از فرهنگ یهود و تابعیت از خدای جبار و قهار یهود "یهوه" می باشد، وقتی از منظر جامعه شناسانه بدان نظر انداخته شود، مشاهده می گردد که در واقعیت امر، پاسخ "جنس مرد" به حیث جنسی که سلطه اش را در امور خانواده قایم

نموده به "جنس زن" است که تا آنزمان یعنی تا قایم شدن و انفاذ چنین قانونی، از حق چند شوهری برخوردار بودند. یعنی به همان سانی که مرد ها بعد ها، چند همسری را قانونی و با "جواز آسمانی" عملی نمودند در آن مقطع زنها هم بنا بر ساختار اجتماعی که "مادر تباری" بود، حق داشتند و می توانستند چند شوهر داشته باشند.

تا جایی که از مطالعه متون ادیان قدیمه بر می آید، هرگاه دیانت یهود نخستین دینی نبوده باشد که چنین آشکارا، خود را در خدمت جامعه مرد سالار قرار داده، بدین درجه حکم وحشیانه ای صادر نموده باشد، به یقین یکی از قدیمی ترین ادیانی به شمار می رود که حکمی چنین ضد انسانی صادر نموده است.

و اما این که بعد ها در جوامع دیگری به مانند افغانستان آنهم تحت تأثیر اسلام به مثابه یک مدنیت و فرهنگ، یا به عبارت بهتر فرهنگ دینی اسلام، چنین حکمی را پذیرا می گردد گذشته از آن که متأثر از نفوذ و سلطه اسلام است، در تطابق کامل با ساختار اجتماعی مرد سالار نیز می باشد.

در یک جامعه مرد سالار که جنس مرد می خواهد تمام امتیازات، اعتبارات و افتخارات را به خود نسبت دهد و حتا عملکرد وحشیانه، جنایتکارانه و ظالمانه اش را ارزش دانسته بدان مردانگی نام می گذارد، ادیانی از نوع دیانت یهود، مسیحیت و اسلام که همه در خدمت خدایان مذکر جوامع مردسالار قرار دارند، می بایست چنان احکامی را وضع می کردند تا سلطه جابرانه و فرعونی مرد را بر زن تداوم می بخشیدند.

وقتی امروز به قضیه نظر می اندازیم می بینیم که "اسلام سیاسی" با تکیه بر جهالت باقی مانده از قرون و هزاره ها، برای بیرون راندن نصف نفوس جوامع از مقابلش زیر نام زن و از آن طریق نصف دیگر را در بند بردگی فکری خود در آوردن، سخیفترین عادات و رسوم کهن را از قبور تاریخ بیرون کشیده، بر مردم تطبیق می دارند و اسمش را می گذارند "مردانگی". اگر "مردانگی" همین است لعنت و نفرین بر "مردانگی". این که تا چه وقت چنین احکامی در کشور ما دوام می نماید مربوط است به این که سرانجام مردم ما با اسلام سیاسی و جهالت قرون چه خواهند کرد

دیده شود چه می شود!!!